

رویکرد نوین بر نظام مدیریتی، مدیریت شورایی و مشارکتی در جامعه ایران:

تحلیل و تبیین جامعه شناختی از موانع و زمینه‌های نهادینه شدن

شورای اسلامی در ایران

دکتر سیف‌الله سیف‌اللی^۱

۱. چکیده

نظام مدیریتی و مدیریت در جامعه ایران، در گذر از توسعه اقتصادی-اجتماعی ناپایدار به توسعه اقتصادی-اجتماعی پایدار، انسانی و متوازن، با موانع و تنگناهای گوناگونی مواجه است. علی‌رغم این موانع و تنگناها، واقعیت‌های تاریخی و امکانات بالقوه در ایران نشان می‌دهد که برای برون رفت از چنین وضعیتی، جامعه ایران زمینه‌های بسیار مطلوبی را دارا است، اما این زمینه‌های مطلوب و امکانات بالقوه زمانی به واقعیت می‌گراید که با دید محققانه، مدبرانه و مسئولانه به آن نگریسته شود. با چنین پشتوانه‌ای است که می‌توان به ارائه راهکارهای راهبردی و کاربردی پرداخت و نظام مدیریتی کنونی ایران را به سوی مدیریت شورایی و مشارکتی، در راستای دستیابی به توسعه پایدار، انسانی و متوازن هدایت نمود. در جهت تشریح رویکرد کلان‌نگرانه مذکور، چند پرسش بنیادین مطرح است که مقاله حاضر در صدد تحلیل و تبیین آن است:

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

۱. چرا مدیریت جامعه ایران، در گذر از مدیریت سنتی، روستایی و یکسویه به مدیریت شورایی و مشارکتی، با بحران‌ها، فراز و نشیب‌های گوناگون و گسترده‌ای مواجه شده است؟
۲. چرا مدیریت جامعه ایران در طول یکصد ساله اخیر برای هدایت جامعه به توسعه اقتصادی-اجتماعی، پایدار، انسانی و متوازن چندان موفق نبوده است؟
۳. موانع و تنگناهای نظام مدیریتی، مدیریت سیاسی و اجرایی در ایران کدامند؟
۴. آیا با مدیریت شورایی و مشارکتی می‌توان بحران مدیریتی در ایران را به حداقل ممکن کاهش داد؟

۵. اگر چنین است؟ راهکارهای دستیابی به چنین نظام مدیریتی چگونه امکان‌پذیر است؟ با توجه به رویکرد نگارنده نسبت به امور و مسائل اقتصادی-اجتماعی ایران، اهم مسائل و مشکلات نظام مدیریتی را، در پذیرش مدیریت شورایی و مشارکتی و همچنین در واگذاری بخش‌هایی از مسئولیت‌ها و امکانات به نهادها و سازمان‌های غیردولتی، به شرح زیر می‌توان بیان نمود:

۱. وجود ناموزونی‌های رشد و توسعه، موانع و تنگناهای تاریخی در ساختار و کارکردهای نظام اجتماعی ایران؛
۲. موانع و تنگناهای برخاسته از موقعیت جغرافیایی ایران و شرایط منطقه؛
۳. حاکمیت و رویکرد یکسویه و سلطه‌گرایانه اقتصاد جهانی؛
۴. پایداری روابط و مناسبات اقتصادی-اجتماعی یکسویه از بالا به پایین و ناعادلانه تاریخی در ایران.
۵. وجود دانش و بینش غیر فنی و فناوری‌های متعارض با ساختارها و کارکردهای نامناسب در جامعه ایران؛
۶. استمرار ساختار و کارکرد مدیریت یکسویه، پدرمآبانه با رویکرد ارباب‌رعیتی در ایران.

اکنون، با توجه به پایداری تاریخی رشد و توسعه ناموزون، تنگناهای درون و برون جامعه مورد اشاره، در شرایط کنونی با چه نوع نظام مدیریتی، مدیریت سیاسی و اجرایی می‌توان جامعه را به سوی توسعه اقتصادی-اجتماعی پایدار، انسانی و متوازن هدایت نمود. همان‌طور که در مقاله بیان شده است، حل مسائل، مشکلات و معضلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه کنونی ایران را باید در دو متغیر مستقل زیر جست‌جو کرد:

۱. دستیابی به دانش فنی و تولید پایدار؛

۲. اعمال گام به گام رویکرد مدیریت شورای و مشارکتی در اداره امور جامعه. پرسش کاربردی، عملی و مدیریتی که از این مباحث متبلور می‌شود، عبارت است از اینکه چگونه به این دو متغیر ظاهراً مستقل، اما وابسته به هم (اشاره شده در بالا) در جهان در هم ریخته و آشفته امروزی دست یافت.

مقاله حاضر سعی دارد پاسخ اکتشافی و مقدماتی به این پرسش ارائه دهد. یقیناً پاسخ واقع بینانه، متقن و محققانه‌تر نیازمند مطالعه و بررسی جامع و همه جانبه‌ای است که امیدواریم در آینده نه چندان دور این خواست و نیاز مدیریت اجرایی و برنامه ریز جامعه ایران تحقق یابد.

کلیات

۱-۲ سرآغاز

تحلیل و تبیین این معضل پیچیده که «مسائل و مشکلات مدیریتی» در جامعه انسانی برخاسته از «ساختار و کارکرد مدیریت» است یا خاستگاه دیگری دارد، رویکردهای بسیار متفاوتی را پدید آورده است.

گوناهگونی رویکردها و عدم شفافیت راهکارها در خصوص یکی از موضوعات، مسائل و مباحث بنیادین جامعه انسانی از یکسو نشان از چند بعدی و چند لایه‌یی بودن پدیده‌های اجتماعی و از سوی دیگر، پیوستگی پدیده‌های اجتماعی با منافع، بینش و شیوه نگرش مردم و گروه‌های اجتماعی آن جامعه دارد.

در هر حال، امروزه، نیازها و شناخت‌های انسان، مدیریت سیاسی و گروه‌های اجتماعی وی را ملزم نموده است که راهکارهای عمومی و اجرایی برای مسائل و مشکلات خود، جامعه خود و جامعه جهانی ارائه دهند تا در راهبری چنین راهکارهایی بتوان امنیت زیستی، روانی و اجتماعی خود و جامعه را فراهم ساخت.

مردم ایران به طور فردی و یا جمعی، از دیرباز رابطه‌ای بین نظام مدیریتی و مسائل مبتلابه فردی و اجتماعی را مشاهده نموده است و در این راستا، نگرش مبتنی بر تجربیات خود را آشکار و پنهان و در اشکال گوناگون (ضرب المثل‌ها، چیستان‌ها، داستان‌ها، اشعار، شوخی‌ها، لطیفه‌ها و کنایه‌ها) در ادبیات شفاهی و کتبی بیان داشته است. این نگرش‌ها نه تنها مسائل و مشکلات اجتماعی را به مدیریت و نظام مدیریتی نسبت داده‌اند، بلکه حل این مسائل و مشکلات را نیز از مدیریت خواسته‌اند.

رویکرد نگارنده در این خصوص متفاوت از نگرش‌های موجود است. حال اگر نظام مدیریتی و ساختار و کارکرد آن را دخیل در مسائل و مشکلات اقتصادی-اجتماعی

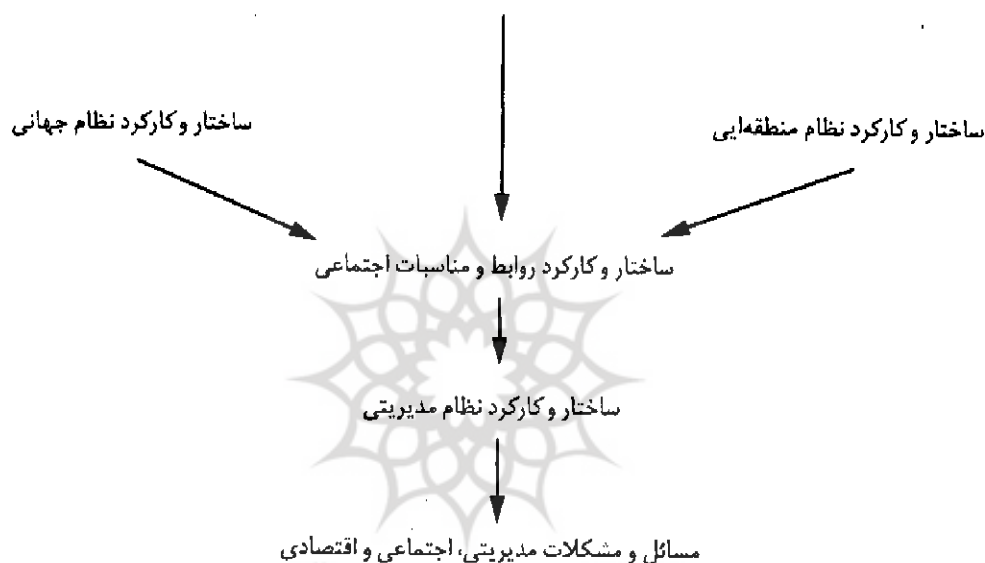
بدانیم، باید حدود و دامنه آن را در تحلیل‌ها و تبیین‌های خود مشخص سازیم و توانایی آن را بسنجیم تا امکان دستیابی به راهکارهای راهبردی و کاربردی در جهت حل تنش‌های مدیریتی، اجتماعی و اقتصادی داشته باشیم.

به نظر نگارنده، سطوح این برخورد رویکردی را می‌توان چنین ترسیم نمود:

نمودار شماره ۱

رابطه ساختار و کارکرد نظام اجتماعی با ساختار و کارکرد نظام مدیریتی

ساختار و کارکرد نظام اجتماعی و ارکان، عناصر و مؤلفه‌های آن



نگارنده با چنین رویکردی «نظام مدیریتی، مدیریت شورایی و مشارکتی در ایران» را در چهار مبحث زیر به طور خلاصه تحلیل^۱ و تبیین^۲، و استنباطی^۳ بیان خواهیم کرد:

۱. شوراها، مدیریت شورایی و مشارکتی در جامعه ایران؛
۲. مسائل، مشکلات، موانع، تنگناها و زمینه‌های شکل‌گیری شوراها، مدیریت شورایی و مشارکتی در جامعه ایران؛
۳. رویکردها و نگرش‌ها نسبت به نظام مدیریتی و شوراها در ایران؛
۴. راهکارهای برون رفت از مسائل، مشکلات و تنگناها و هم‌چنین راهکارها در جهت نهادینه و کارآ شدن شوراها و مدیریت شورایی و مشارکتی در ایران.

اما این شیوه نقد و بررسی، نیازمند پیش‌نیازها و پیش‌زمینه‌هایی است، لذا پیش از پرداختن به این موضوع، اشاره‌ای به پیش‌نیازها و پیش‌زمینه‌ها خواهیم کرد.

۲-۲ پیش‌نیازها و پیش‌زمینه‌ها

همان‌طور که قبل از این اشاره رفت، پیش از نقد و بررسی مباحث چهارگانه، باید پیش‌نیازها و پیش‌زمینه‌های چنین نقد و بررسی (هم از نظر ملی-فرهنگی و هم از نظر نظام مدیریتی) فراهم شود. ما این پیش‌نیاز و پیش‌زمینه‌ها را به صورت چند پرسش روش‌شناختی^۱ و نظری^۲ مطرح می‌کنیم:

اولین پرسش اینک:

این چهار مبحث را در چه سطحی^۳ باید نقد و بررسی کنیم؟
 نمودار شماره ۲، سطوح بررسی یک موضوع اجتماعی را نشان می‌دهد؛
 نمودار شماره ۲:

سطوح نقد و بررسی شوراها و مدیریت شورایی در ایران

۱. نقد و بررسی مبتنی بر منافع و تجربه‌های شخصی؛

۲. نقد و بررسی نقلی؛

۳. نقد و بررسی توصیفی؛

۴. نقد و بررسی مبتنی بر ایدئولوژی‌های غیرواقع‌بینانه؛

۵. نقد و بررسی سیاسی؛

۶. نقد و بررسی تاریخی؛

۷. نقد و بررسی تحلیلی؛

۸. نقد و بررسی تبیینی؛

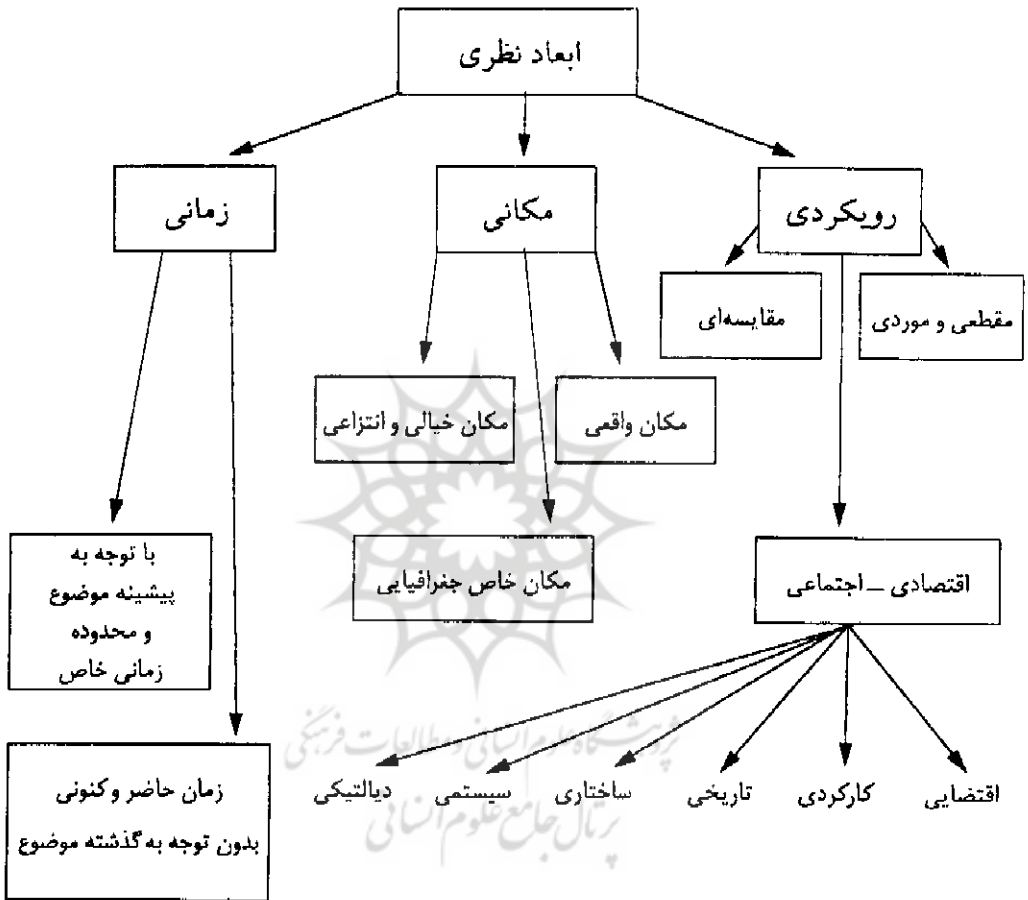
۹. نقد و بررسی استنباطی؛

۱۰. نقد و بررسی تحلیلی، تبیینی و استنباطی.

به نظر نویسنده، با توجه به جایگاه و پایگاه و مقوله مدیریت در سرنوشت جامعه ایران، این موضوع بسیار پیچیده و حساس را باید در سطح تحلیلی، تبیینی و استنباطی مورد نقد و بررسی قرار داد.
 دومین پرسش اینک:

این چهار مبحث را با چه ابعاد نظری باید نقد و بررسی کنیم؟
 نمودار شماره ۳ ابعاد نظری چنین نقد و بررسی را نشان می دهد:
 نمودار شماره ۳

ابعاد نظری نقد و بررسی موضوع شوراها و مدیریت شورایی در ایران



به نظر نگارنده، این موضوع را باید با رویکرد اقتصادی-اجتماعی، در مکان واقعی و در درون نظام جهانی و با توجه به شرایط زمانی و پیشینه تاریخی جامعه ایران مورد نقد و بررسی قرار داد.

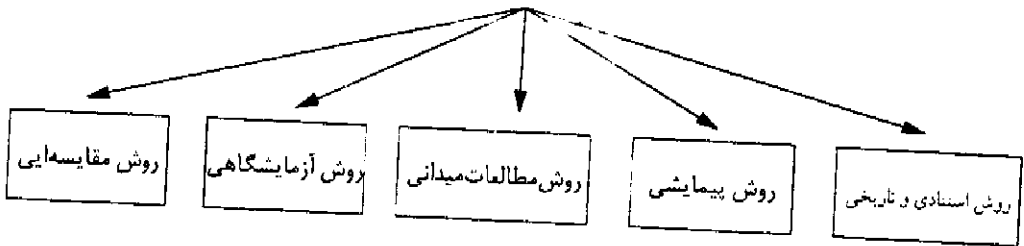
سومین پرسشی که مطرح می شود، این است که:

این موضوع پیچیده را با چه روش‌ها و تکنیک‌هایی باید نقد و بررسی کنیم؟
 نمودار شماره ۴ روش‌ها و تکنیک‌های نقد و بررسی این موضوع در ایران را نشان می دهد.

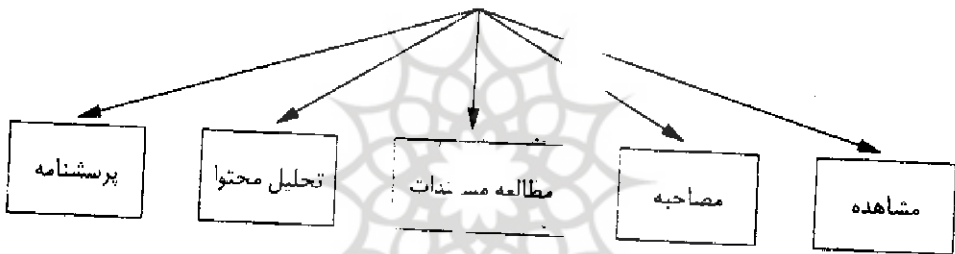
نمودار شماره ۴

روش‌ها و تکنیک‌های نقد و بررسی

روش‌های نقد و بررسی



تکنیک‌های نقد و بررسی



به نظر نگارنده، برای دست یابی به راهکارهای واقع بینانه و بهینه، ضروری است که نقد و بررسی این موضوع با بهره‌گیری از چگونگی مقایسه‌ای و پنج تکنیک مورد اشاره صورت گیرد.

چهارمین پرسش اینکه:

آیا بدون تعریف مفاهیم و واژه‌ها می‌توان چنین موضوع ترکیبی و چند وجهی را (از نظر روش‌شناسی) بشرح علمی مورد نقد و بررسی قرار داد؟

به نظر نگارنده، بدون تعریف مفاهیم و واژه‌های کلیدی این موضوع را نمی‌توان مورد نقد و بررسی قرار داد.

به نظر نگارنده، بدون تعریف مفاهیم و واژه‌های کلیدی، این موضوع را نمی‌توان مورد نقد و بررسی قرار داد.

بنابراین، مفاهیم و واژه‌های کلیدی زیر، که مرتبط با این موضوع هستند، باید تعریف شوند:

۱. موضوع مورد بررسی
۲. مسائل اجتماعی - اقتصادی و مفاهیم مترادف و مشابه
۳. مباحث و رویکردها
۴. رویکرد نوین
۵. رویکرد اجتماعی - اقتصادی و اقتصاد سیاسی
۶. مطالعه و بررسی
۷. نظام اجتماعی
۸. نظام سیاسی
۹. نظام شورایی
۱۰. مدیریت شورایی
۱۱. مدیریت دموکراتیک
۱۲. مدیریت مشارکتی
۱۳. مدیریت اسلامی
۱۴. مدیریت اقتصادی
۱۵. مدیریت یکسویه
۱۶. مدیریت پدرمآبانه
۱۷. مدیریت استبدادی
۱۸. مدیریت ارباب - رعیتی
۱۹. مدیریت روستایی
۲۰. مدیریت سنتی
۲۱. مدیریت تولی گرایانه
۲۲. مدیریت تصدی گرایانه
۲۳. روابط اجتماعی
۲۴. تقسیم کار اجتماعی
۲۵. گروه‌های اجتماعی
۲۶. فرهنگ
۲۷. ابعاد انتظامی و زیر ساختی فرهنگ



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲۸. رابطه ابعاد فرهنگ با همدیگر
 ۲۹. توسعه اقتصادی - اجتماعی پیرامون و ناپایدار
 ۳۰. توسعه اقتصادی - اجتماعی پایدار و انسانی
 ۳۱. نقد و بررسی
 ۳۲. تحلیل و تبیین
 ۳۳. استنباط، تفهم و درک
 ۳۴. روش‌شناسی، بینش علمی و چارچوب نظری
 ۳۵. راهکارهای راهبردی و کاربردی

نقد و بررسی

«شوراهای اسلامی و مدیریت شورایی در جمهوری اسلامی ایران»

۱-۳ مقدمه

به طور کلی، هر علم^۱ و شناختی^۲ که در حوزه‌های جهان اجتماعی^۳ و جهان طبیعی^۴ انجام می‌گیرد دارای شکل و محتوایی است که می‌توان آن را به چهار مبحث مشخص و مرتبط به هم به شرح زیر تقسیم نمود:

۱-۱-۲. مبحث شناخت مصادیق و واقعیت‌ها^۵ که ما آنها را در اینجا تحت عنوان «موضوع‌های علم^۶ و یا شناخت می‌نامیم»

۱-۲-۲. مبحث مربوط به مسائل، مشکلات، موانع و تنگناهای برخاسته از عملکرد ساختار و کارکرد این مصادیق و واقعیت‌ها، ما این مبحث را، مسائل^۷ و مشکلات می‌نامیم؛

۱-۳-۲. مبحث مربوط به دیدگاهها، پارادایم‌ها، نظریه‌ها و مکاتب که از تحلیل، تبیین و تفهم در مبحث فوق‌الذکر پدیدار می‌گردد. ما این مبحث را رویکردها و یا نظریه‌ها^۸ می‌نامیم؛

۱-۳-۳. مبحث راهکارهای راهبردی^۹ و کاربردی^{۱۰} در جهت:

- | | | |
|-----------------|-----------------------|-----------------|
| 1. Science | 2. Knowledge | 3. Social world |
| 4. Normal world | 5. Realities | 6. Subject |
| 7. Prodiems | 8. Approach, Theories | 9. Strategic |
| 10. Applied | | |

- شناخت دقیق تر واقعیت ها؛

- حل مسائل و مشکلات؛

با توجه به نقطه نظر مذکور، نگارنده مباحث چهارگانه را در خصوص عنوان مقاله، مورد نقد و بررسی قرار می دهد.

۲-۳. شوراهای مدیریت شورایی و مشارکتی در جامعه ایران

هر کدام از جوامع انسانی در مرحله گذار از اشکال اولیه نظام های اجتماعی-اقتصادی، دارای مدیریت های ویژه خود بوده اند. مطالعات تاریخی و جامعه شناختی نشان می دهد که در ساختار و کارکرد این مدیریت ها، که در اشکال گوناگون نظام های مدیریتی در جامعه تبلور یافته اند، برخاسته از شرایط درون جامعه ای و تأثیرات برون جامعه ای بوده است.

شرایط درون جامعه ای عبارت است از عملکرد ساختار و کارکرد عناصر، ارکان و مؤلفه های تشکیل دهنده و ماهیت روابط اجتماعی برخاسته از عملکرد ساختار و کارکرد ارکان، عناصر و مؤلفه های تشکیل دهنده جامعه. شرایط برون جامعه ای عبارت است از تأثیر متقابل روابط و مناسبات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و فنآوری منطقه و سایر مناطق دور و نزدیک بر جامعه مورد بررسی، که امروزه به صورت شبکه بسیار پیچیده نظام جهانی جلوه گر شده است.

هر کدام از جوامع انسانی، در گذر از انواع مدیریت ها به مدیریت شورایی و مشارکتی و یا به اصطلاح به مدیریت دموکراتیک و مردم سالار، راه چندین هزار ساله را طی نموده اند.

از انواع شیوه های مدیریتی و رایج در جوامع انسانی می توان به مدیریت های زیر اشاره نمود:

۱. مدیریت پدر مدار؛
۲. مدیریت قبیله مدار؛
۳. مدیریت پدر سالار؛
۴. مدیریت استبدادی و یکسویه در اشکال گوناگون خود؛
۵. مدیریت مشروطه؛
۶. مدیریت ارباب-رعیتی
۷. مدیریت روستایی و کدخدا منشانه

۸. مدیریت متمرکز و غیرمتمرکز؛

۹. مدیریت دموکراتیک؛

۱۰. مدیریت مشارکتی و شورایی؛

۱۱. مدیریت انسانی؛

۱۲. ترکیبی از مدیریت‌های اشاره شده در بالا.

بیان این واقعیت که انسان‌ها و جوامع انسانی در اداره خود و جامعه خویش چگونه و چرا، انواع نظام‌های مدیریتی و مدیریت را تجربه نموده‌اند از دایره این مقاله خارج است، اما مبحث بسیار مهمی است که باید مورد نقد و بررسی محققانه قرار گیرد.

در اینجا، بیان این وجهه نظر^۱ لازم است که جوامع در گذر از هر یک از مراحل رشد و توسعه دارای نظام‌های مدیریتی همان مرحله از مراحل رشد و توسعه می‌شوند. به عبارت دیگر، بین رشد و توسعه اقتصادی-اجتماعی جوامع و نوع نظام مدیریتی و نحوه اعمال مدیریت، رابطه ناگسستگی وجود دارد. هر قدر جامعه دارای رشد و توسعه پایدار و پیشرفته‌تر باشد، از مدیریت دموکراتیک‌تر و قانون‌مدرانه‌تر برخوردار خواهد بود. بنابراین، عوامل پیدایش، شکل‌گیری، نهادینه و کارآشدن نظام شوراها، مدیریت شورایی و مشارکتی را باید در درون چنین روند و فرآیندی جست‌جو کرد.

جامعه ما در یک سده اخیر، از انقلاب مشروطیت به بعد (به ویژه پس از انقلاب اسلامی) گرایش و علاقه بسیاری به شوراها، مدیریت شورایی و نظام مدیریت مشارکتی از خود نشان داده است.

واقعیت امر این است که شوراها، مدیریت شورایی و مشارکتی در جهت امروز و در جوامع انسانی تنها راه و وسیله مطمئن جهت دست‌یابی به خواست‌ها، نیازها و توسعه پایدار اقتصادی-اجتماعی است، زیرا توسعه اقتصادی-اجتماعی پایدار و انسانی و برقراری عدالت اجتماعی زمانی در جامعه تحقق می‌یابد که مردم با مشارکت خود، نظام مدیریتی بهینه و شایسته سالار را در جهت حل و فصل مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فراملی خود برگزینند و جامعه را در جهت توسعه پایدار و انسانی راه ببرند، اما دست‌یابی به چنین شیوه مدیریتی چنددان آسان نیست.

جامعه ما که از دوست سال پیش برای دست‌یابی به آن مبارزه‌ها و تلاش‌ها نموده و انقلاب‌ها را پدید آورده است، اما هنوز در مرحله رفت و برگشت و آزمون و خطا است.

این مسئله بسیار مهم و حیاتی باید مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد و مدبرانه موشکافی شود تا به طور روشن و شفاف بیان گردد که چرا جامعه ما برای دستیابی به مدیریت شورایی و مشارکتی با چنین عقب افتادگی مواجه است.

از یکسو، می‌دانیم که در قانون اساسی جمهوری اسلامی، شوراهای اسلامی و مدیریت مشارکتی در جهت اداره شهرها، بخش‌ها و روستاها (اصول ۶، ۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۵ و ۱۰۶) مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است و قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شورای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران آن (مصوب ۱/۳/۱۳۷۵) و آیین نامه اجرایی (مصوب ۱۱/۱/۱۳۷۸) به تصویب رسیده است و این موارد قانونی بالاخره در سال ۱۳۷۶ پس از فراز و نشیب زیاد به مرحله اجرا نیز درآمده است.^۱

از سوی دیگر، انتخابات شوراهای شهر، بخش و روستاها در سال ۱۳۷۶ در ایران، زمینه‌ها، کاستی‌ها و موانع نظام مدیریت شورایی و مشارکتی را به خوبی نشان داد و مسئولان، محققان و صاحب نظران را به تأمل و تعمق واداشت که مشکل کجا است و راه حل کدام است، اما تحقیق جدی و جامع در سطح ملی و به صورت عالمانه، محققانه و واقع بینانه در این زمینه به عمل نیامده است.

اکنون جامعه در حال تجربه دومین دوره انتخابات شوراهای اسلامی است. بدون اینکه اندوخته علمی و راهکارهای بهینه حاصل از دستاوردهای تحقیقات علمی برای اعمال آن در جامعه پیچیده و ناشناخته ایران را فراهم کرده باشد.^۲

با توجه به رویکرد مطروحه در این مقاله، بازنگری به گذشته و ترسیم دورنمای این حرکت سرنوشت ساز در نظام مدیریتی جامعه ایران، یکی از حیاتی‌ترین و ضروری‌ترین کارها و فعالیت‌هایی است که مدیریت، مدیران، محققان و صاحب نظران باید به آن بپردازند. در غیر این صورت، جامعه ایران و مدیریت حاکم بر آن هر قدر حسن نیت داشته باشند نمی‌توانند از این گذرگاه تاریخ بدون بحران گذر کنند؛ زیرا ضرورت‌ها و نیازهای جامعه ایران و جامعه جهانی چنین روند و فرآیند اجتناب‌ناپذیر را طلب می‌کند. جامعه ایران، با توجه به شرایط اقتصادی - اجتماعی برخاسته از عملکرد ساختار و کارکرد درون و برون جامعه‌ای خود گرچه شیوه‌های مدیریتی خشن و یکسویه گوناگونی را در طول تاریخ تجربه نموده است، اما تجربه مدیریت شورایی، مشارکتی و مدیریت دو سویه را چندان لمس و تجربه نکرده است. بنابراین، نیازمند تلفیق خرد و تدبیر با

۱. وزارت کشور، ستاد اجرایی تشکیل شوراهای اسلامی، فروردین ۱۳۷۸.

۲. ستاد انتخابات کشور، شوراها با آنچه گذشت.

واقعیت‌های اقتصادی - اجتماعی جامعه و شرایط جهانی است تا با راهکارهای راهبردی و کاربردی این راه پر فراز و نشیب و سنگلاخ را طی نماید.

تنش‌ها، تب و تاب‌ها و گفت‌وگوهای فاقد بنیان‌های علمی و تجربی کنونی در خصوص شوراها و مدیریت مشارکتی نشان از عمق و دامنه مسئله دارد که بایستی در دستور کار مدیریت، مردم و همه کسانی که برای ایران و ایرانی دل می‌سوزانند و احساس مسئولیت می‌کنند، قرار گیرد.

۳-۳ مسائل و مشکلات، موانع، تنگناها و زمینه‌های شکل‌گیری، نهادینه و کارآشدن شوراها، مدیریت شورایی و مشارکتی در جامعه ایران

جامعه ایران در راهبری امکانات عظیم اقتصادی، جمعیتی، فرهنگی و زیست محیطی به سوی توسعه اقتصادی - اجتماعی پایدار و انسانی و رفع نیازها و خواست‌های افراد و گروه‌های خود با معضل و بحران غیر قابل تصویری روبرو شده است.

از این رو، مدیریت سیاسی نیز در پاسخ‌گویی به نیازها و خواست‌های گروه‌های اجتماعی و عملی‌سازی آرمان‌های انقلاب اسلامی زیر فشار فزاینده درون جامعه‌ای و برون جامعه‌ای قرار گرفته است.

روی آوری مدیریت سیاسی به واگذاری بخشی از اداره امور جامعه به افراد و سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی و دعوت از گروه‌های اجتماعی جهت مشارکت در برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی، خدمات اجتماعی، خدمات شهری، روستایی و... امری اجتناب‌ناپذیر، اما بدون زمینه‌سازی و بسترسازی علمی و اجرایی است.

واقعیت‌های اشاره شده در بالا، مسائل، مشکلات و تنگناهای موجود بر سر شوراها و مدیریت شورایی را افزون‌تر و پیچیده‌تر ساخته است. بدون اینکه تمهیدات شایسته‌ای برای استفاده از امکانات بالقوه و بالفعل فراهم شود.

با توجه به شرایط کنونی، اهم مسائل و مشکلات و تنگناهای موجود را می‌توان چنین بازگو نمود:

۱. رویگردانی گروه‌های اجتماعی از شرکت در انتخابات شوراها به دلیل عدم توانایی شوراها و مدیریت شورایی در حل و فصل مسائل مبتلا به شهرها، بخش‌ها و روستاها. این چنین برداشت وجدان جمعی و افکار عمومی جامعه نسبت به حساس‌ترین و ارزشمندترین رگه مدیریتی جامعه، نشان از بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی، افسردگی اجتماعی و رفتاری دارد که باید توسط محققان، مدیران و برنامه ریزان مورد تحلیل،

تیین و درک واقع بینانه و محققانه قرار گیرد.

۲. برخورد سیاسی با انتخابات و نامزدهای انتخاباتی

این جریان از یکسو موجب می شود که افراد سیاسی (با بار ارزشی و ایدئولوژیکی ویژه) و از سوی دیگر افراد ناکارآمد (از نظر تخصص و تجربه) به ارکان اجرایی و مشاوره‌ای مدیریت بیوندند.

نتیجه چنین برخوردی موجب ضعف و ناتوانی مدیریت و افزایش نارضایتی افراد و گروه‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی شده است.

۳. کم توجهی به نیازها و خواست‌های شهروندان از سوی مدیریت شوراها و شهرداری‌ها حقیقت امر این است که انتخاباتی با ویژگی‌های پیش گفته، نمی‌تواند در راستای هدف‌های توسعه‌ای و در جهت دستیابی به عدالت اجتماعی گام بردارد؛ زیرا، از یک سو درگیر مسائل و مباحث سیاسی و ایدئولوژیکی خاص پایان‌ناپذیر و از سوی دیگر، منتخبین فاقد صلاحیت و شایستگی کاری، تخصصی و مدیریتی شده و از عهده انجام وظایف بر نمی‌آیند. لاجرم، شورا و مدیریت شورایی در پایان خط به بن بست می‌رسد و شهروندان و مدیریت سیاسی را با یک سری از پیچیدگی‌های سیاسی، اقتصادی و اخلاقی مواجه می‌سازد.

۴. نبود تجربه مدیریتی مبتنی بر مدیریت شورایی و مشارکتی در بین افراد، گروه‌های اجتماعی و مدیران سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی

این پدیده پس از انقلاب اسلامی، بیشترین اثرات نامطلوب و ناگوار را بر پیکر نظام مدیریتی گذاشته است، چنان‌که تز تولی‌گری راه، که از سوی مدیریت تبلیغ و ترغیب می‌شود، ناکارآمد ساخته است؛ زیرا اکثر مدیران، افراد و گروه‌های اجتماعی بی اطلاع از اصول و مبانی مدیریت شورایی و مشارکتی در امر مملکت داری هستند.

۵. نبود سازمان‌ها، نهادها و احزاب سازمان یافته، مجرب با رهبریت شناخته شده و قابل اعتماد (از نظر مدیریت، ایدئولوژی و رفتار سیاسی و اجتماعی)

این کاستی به نبود سابقه فعالیت‌های سیاسی گروه‌های اجتماعی و مدیریت سیاسی جامعه بر می‌گردد.

۴ - ۳ رویکردها و نگرش‌ها نسبت به شوراها و نظام مدیریت شورایی و مشارکتی در

ایران

پیچیدگی و ناشناخته ماندن بسیاری از ابعاد و لایه‌های اجتماعی-اقتصادی جامعه ایران،

زمینه را برای اظهار نظرها، رویکردها و نگرش‌های غیرواقعی و انتزاعی توأم با پیش‌داوری‌های غیرعملی، ایدئولوژیک، ناکارآمد و غیرواقع بینانه فراهم ساخته است. وجود پر دوام و ریشه دار مدیریت سیاسی یکسویه در طول تاریخ کهن این سرزمین، این چنین رویکردهایی را تشدید نموده است. چنان‌که امروزه بسیاری از مردم، صاحب نظران، مدیران و مسئولان مملکتی در تمام رده‌ها و سطوح، نه تنها اعتقادی به شوراها، مدیریت شورایی و مشارکتی و واگذاری امور مردم به مردم ندارند، بلکه به آن نیز باور ندارند؛ زیرا مطمئن نیستند که مردم بتوانند از عهده اداره امور خود و جامعه برآیند، لذا همیشه نگران فروپاشی نظام سیاسی، گسترش فعالیت‌های تخریبی دورن و برون جامعه‌ای، از بین رفتن امنیت ملی و افزایش ناهنجاریهای فرهنگی-اجتماعی هستند و یا اینکه وانمود می‌نمایند که مردم آمادگی و شایستگی اداره امور جامعه را ندارند. بنابراین، باور دارند که بایستی برگزیدگانی عهده دار چنین وظایف و مسئولیت سنگینی باشند.^۱ در قبال چنین رویکردی، گروهی باور دارند که بایستی به مردم اعتماد کرده و با انتخابات آزاد و سایر شیوه‌های دموکراتیک، کار مردم را به مردم واگذار نمود. چنان‌که در سایر کشورها، به ویژه در کشورهای پیشرفته و توسعه یافته صورت می‌گیرد.

طرفداران چنین رویکردی، در روند و فرآیند اجرایی به همان دامی می‌افتند که طرفداران رویکرد مذکور به آن گرفتار هستند؛ زیرا طرفداران این رویکرد در فرآیند عمل متوجه می‌شوند که افراد و گروه‌های اجتماعی نه تنها تجربه عملی و نظری در مسئولیت‌پذیری و اعمال مدیریت شورایی و مشارکتی ندارند، بلکه قدرت و ساز و کارهای نظارت و استیضاح از مدیریت را هم ندارند. لاجرم به سوی مدیریت پدر مدار و یکسویه کشانده می‌شوند.

تجربه یکصد ساله اخیر نظام مدیریتی و مدیران اجرایی و سیاسی در تمام سطوح، حاکی از تجربه تلخی است که نشان می‌دهد افراد و گروه‌های روشنفکر و مدعی مدیریت مشارکتی و شورایی، چگونه به دام تزویر مدیریت یکسویه و پدرمآبانه افتاده‌اند

۱. لطفاً به منابع و مأخذ زیر مراجعه شود:

۱. ابوالفضل قاسمی، سیر الیگارش‌ی در ایران؛
۲. صادق زیباکلام، ما چگونه ما شدیم؛
۳. سیف... سیف‌اللهی، اقتصاد سیاسی ایران؛
۴. کاظم علمداری، چرا ایران عقب مانده و غرب پیش رفت؛
۵. محمد علی کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران؛
۶. احمد کسروی، تاریخ مشروطیت ایران؛

و جامعه را در بهت، سکوت، یأس و افسردگی فرو برده‌اند.^۱ پرسش بنیادین در ارتباط با چنین روند و فرآیند مدیریتی در جامعه ایران این است که چه علل و عواملی باعث شده و می‌شود که شوراها، مدیریت شورایی و مشارکتی در ایران از کارآمدی مورد انتظار برخوردار نباشند.

عده‌ای مسئله را در وجود مدیریت سیاسی می‌دانند و عده‌ای دیگر گناه را برگردن عامل خارجی و بیرونی می‌اندازند. بالاخره گروهی دیگر ناآگاهی مردم و فرصت‌طلبی‌های گروه‌های اجتماعی و سیاسی نشسته بر مسند قدرت و یا خارج از حوزه مدیریت را مقصر قلمداد می‌کنند.

به نظر نگارنده، ریشه مسائل، مشکلات و تنگناهای مدیریتی در جامعه ایران را باید در وهله اول در عملکرد ساختار و کارکرد نظام اجتماعی-اقتصادی ایران و در بستر تاریخی آن جست و در وهله دوم، نقش و تأثیر شرایط و روابط و مناسبات منطقه‌ای و جهانی را مد نظر قرار داد.^۲

تحقیقات، مطالعات نظری و تجربه مدیریتی نگارنده، وی را به بیان رویکرد ویژه در خصوص جامعه ایران واداشته است. از زاویه چنین رویکردی، کندی حرکت به سوی نظام مدیریت شورایی و مشارکتی در ایران به علل و عوامل مهم زیر بر می‌گردد:

۱. عملکرد ساختار و کارکرد ناموزون و ناهماهنگ عناصر و ارکان بنیادین نظام اجتماعی-اقتصادی ایران.

این ارکان، عناصر و مؤلفه‌های بنیادین نظام اجتماعی ایران عبارتند از زیست محیطی، جمعیتی، اقتصادی، فرهنگی و مدیریتی. پارادایم شماره ۵ این رویکرد را به طور شماتیک نشان می‌دهد:

۱. لطفاً به منابع و مأخذ زیر مراجعه شود:

۱. حسین برمکی، تاریخ بیست و پنج ساله ایران؛

۲. احمد کسروی، تاریخ مشروطیت ایران؛

۳. فوران، جان، تحولات اجتماعی ایران؛

۴. فرد هائیدی، دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران؛

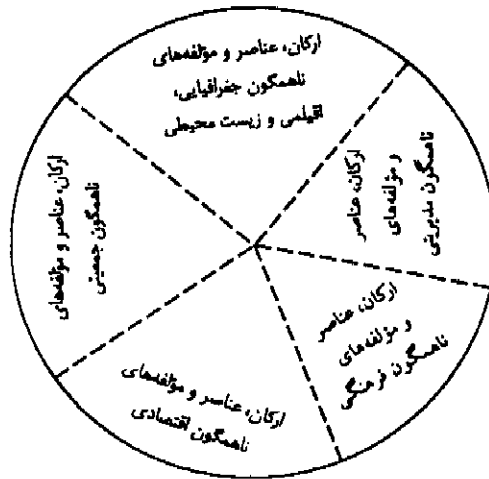
۵. اسناد و مدارک مربوط به سیر تحول قوه قضائیه پس از انقلاب اسلامی؛

۶. اسناد و مدارک مربوط به تهیه و تدوین برنامه پنجساله اول جمهوری اسلامی ایران، ۶۱-۱۳۵۸.

۲. سیف... سیف‌اللهی، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، ص ۱-۳۶

نمودار شماره ۵

ارکان، عناصر و مؤلف‌های شکل دهنده نظام اجتماعی ایران

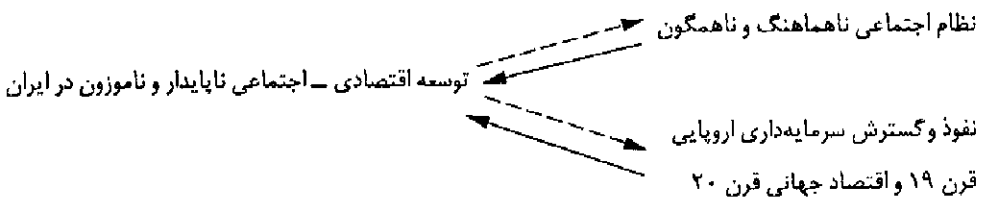


۲. کنش و واکنش عوامل درون جامعه‌ای با عوامل بیرون جامعه‌ای.

عناصر، ارکان و مؤلف‌های شکل دهنده نظام اجتماعی ایران در کنش و واکنش‌های خود با عوامل بیرون جامعه‌ای، ساختار و کارکرد نظام اجتماعی-اقتصادی کنونی ایران را شکل داده است. نمودارهای شماره ۶ و ۷ این پارادایم و نحوه شکل‌گیری توسعه اقتصادی-اجتماعی ناپایدار و ناموزون در ایران را نشان می‌دهد:

نمودار شماره ۷

عوامل درون و بیرون جامعه‌ای شکل دهنده نظام اجتماعی ایران



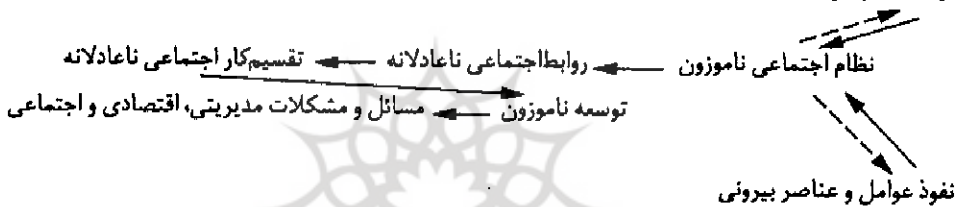
عملکرد نظام اجتماعی ایران

عملکرد ساختار و کارکرد ناموزون و نا به کار نظام اجتماعی - اقتصادی ایران از یکسو و روابط و مناسبات یکسویه منطقه‌ای و جهانی از سوی دیگر، موجب شکل‌گیری روابط اجتماعی یکسویه و ناعادلانه گشته است. این روند و فرآیند، نه تنها زمینه ساز تقسیم کار اجتماعی ناعادلانه، واگذاری غیرمسئولانه و جهت دار مسئولیت‌ها و اختیارات به برخی افراد و گروه‌ها است، بلکه در نهایت زمینه‌های پیدایش مسائل مدیریتی و اجتماعی را پدید می‌آورد. این پارادایم در نمودار شماره ۸ به طور شفاف نشان داده شده است:

نمودار شماره ۸

فرآیند شکل‌گیری روابط اجتماعی و تقسیم کار ناعادلانه و مسائل مدیریتی و اجتماعی

ترکیب ناموزون ارکان، عناصر و مؤلفه‌های بنیادین نظام اجتماعی ایران



۴. شکل‌گیری نظام مدیریتی و مدیریت یکسویه و پدر مدار

چنین روند و فرآیندی به طور مستمر، مدیریت یکسویه، مستبد و پدر سالارانه را در جامعه ایران پدید آورده است که سالیان سال ادامه دارد؛

۵. پی‌آمدها و واکنش‌های برخاسته از نظام مدیریتی و مدیریت یکسویه

کنش و واکنش عوامل و عناصر ذکر شده، موجب پیدایش و گسترش روز افزون موانع، تنگناها و مسائل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در ایران شده و می‌شود. چنین روندی، پی‌آمدهایی را در جامعه و در بین گروه‌های اجتماعی به وجود آورده است.

اهم این پیامدها را در سطح کلان می‌توان بیان نمود:

۱. نارضایتی عمومی و احساس اجحاف افراد و گروه‌های اجتماعی؛
۲. احساس عدم امنیت فردی، اجتماعی و سیاسی؛
۳. اکراه در فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی؛
۴. ناپاوری و عدم اطمینان و اعتماد به گفته‌ها و برنامه‌های مدیران و مدیریت؛

۵. ناهمگونی در پندار، گفتار، و کردار افراد و گروه‌های اجتماعی؛

۶. قانون‌گریزی، واسطه تراشی، خویش مداری و توسل به شیوه‌های غیرقانونی

برای دستیابی به هدف‌ها؛

۷. گسترش فساد و ناهنجاری مانند سرقت، دزدی، اعتیاد، افسردگی، بی تفاوتی،

زورگویی و قلدری، قتل‌های گوناگون و...؛

۸. گسترش روحیه واسطه‌گری و دلالی و فرهنگ‌گریز از کار و تولید.

۳-۴. راهکارهای برون رفت از مسائل، مشکلات، موانع و تنگناها و همچنین راهکارهایی

در جهت شکل‌گیری، نهادینه و کارآ شدن شوراها، مدیریت شورایی و مشارکتی در ایران

همان‌طور که بیان شد، مسائل، مشکلات، موانع و تنگناهای موجود بر سر راه شوراها و

اعمال مدیریت شورایی و مشارکتی در روستاها، بخش‌ها، شهرها و کلان‌شهرهای

جامعه ایران در وهله اول برخاسته از عملکرد ساختار و کارکرد عناصر و مؤلفه‌های

شکل دهنده نظام اجتماعی و در وهله دوم متأثر از ساختار و کارکرد نظام اقتصاد جهانی

است. بنابراین، ضرورت دارد که راهکارهای کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت برای

دستیابی به مدیریت شورایی و مشارکتی با توجه و تأکید بر رویکرد مذکور باشد.

پیشنهاد‌های نگارنده، در دو سطح راهکارهای راهبردی و راهکارهای کاربردی به

شرح زیر ارائه می‌شود:

۱- ۳-۴. راهکارهای راهبردی

عمده راهکارهای کلان و راهبردی در این خصوص عبارتند از:

۱. از آنجا که نظام مدیریتی و شیوه‌های اعمال مدیریت، برخاسته از ساختار و کارکرد

روابط اجتماعی هر جامعه‌ای است. بنابراین، برای حل مسائل، موانع و تنگناهای

شوراها و مدیریت شورایی باید قبل از هر اقدامی روابط و مناسبات اجتماعی را در

جهت تأمین عدالت اجتماعی و اعمال مدیریت شورایی و مشارکتی ساماندهی و

سازماندهی نمود.

دستیابی به این واقعیت مهم، نیازمند بازنگری بر نحوه توزیع قدرت، ثروت و

اختیارات و تعدیل آن در جهت سهم نمودن تمام افراد و گروه‌های اجتماعی در اداره

امور جامعه است.

۲. برای تحقق هدف‌های مذکور، تمام تلاش‌های مدیریت سیاسی جامعه باید در

جهت دستیابی به توسعه اقتصادی-اجتماعی پایدار، انسانی و متوازن معطوف شود؛

۳. شوراها، مدیریت شورایی و مشارکتی، زمانی در جامعه نهادینه و کارآ می‌شوند که

جامعه به آن احساس نیاز کند. نیاز به چنین مدیریتی، مستلزم تغییر روابط اجتماعی، روابط تولید^۱ و توزیع در جامعه است؛

چنین تغییراتی با دستیابی به تولید و دانش فنی و فناوری نوین^۲ امکان‌پذیر است؛ زیرا فناوری و دانش فنی، فرهنگ و روابط اجتماعی، تولیدی و توزیع خاص خود را به وجود می‌آورد؛

۴. مدیریت سیاسی جامعه، باید بدنه مدیریتی جامعه را به دو بخش مشخص و شفاف اجرایی و سیاسی طیف بندی کند. به این معنا که، مدیریت سیاسی با تمهید زیربنای بینشی مبتنی بر واقعیت‌های جامعه و... فرصت کافی از نظر مالی، سازماندهی و استفاده از منابع انسانی بدهد. مدیریت اجرایی، به عنوان بدنه اجرایی، ساختاری و ارکانی مدیریت جامعه، با تولید کالا، سرمایه و سرمایه اجتماعی نسبت به رفع نیازهای زیستی، اجتماعی و روانی افراد و گروه‌های اجتماعی پردازد؛ نه اینکه به فکر دستیابی به قدرت، ثروت و پایداری مقام و موقعیت شغلی خود باشد، بلکه با اجرای این رویکرد در سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی زمینه را برای مدیریت شورایی و مشارکتی فراهم می‌کند؛

۵. نظام مدیریتی، شیوه‌های اعمال مدیریت و مسائل و تنگناهای آن در ایران، باید به طور جامع و همه جانبه مورد نقد و بررسی جامع و همه جانبه (چه در سطح ملی و چه در سطح فراملی) قرار گیرد؛

۶. این مطالعه و بررسی، نه تنها در سطح کلان مملکتی و فراملی، بلکه در سطح مناطق جغرافیایی، فرهنگی و قومی نیز انجام گیرد و راهکارهای راهبردی و کاربردی ارائه شود؛

۷. یادآوری مهم اینکه، عدم توجه به بندهای ۵ و ۶، جامعه، مردم و مدیریت سیاسی جامعه را در تنگناها و بحران‌های روزافزون قرار داده و زمینه را برای نارضایتی گروه‌های اجتماعی و فشارهای برون جامعه‌ای فراهم می‌سازد.

۲-۴-۳. راهکارهای کاربردی

طیف‌های مهم راهکارها در حوزه عملی، اجرایی و کوتاه مدت را می‌توان چنین بیان داشت:

۱. تمهیداتی به عمل آید که از انتخاب فعالان سیاسی و وابسته به گروه‌های سیاسی افراطی (چپ و راست) برای شوراها و مدیریت‌های خدمات شهری پیش‌گیری شود؛

زیرا این نهادها و سازمان‌ها بیشتر اجرایی و خدماتی هستند تا سیاسی. این رویکرد به این معنا نیست که مدیران و افراد جامعه تهی از بینش سیاسی و رویکردهای ایدئولوژیک واقع بینانه باشند، بلکه هر فردی از جامعه، در هر سطحی که باشد، بایستی دارای بینش سیاسی سازمان یافته در جهت هدف‌های کلان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه باشند؛

۲. اعضای شوراها و مدیریت‌های شورایی از افراد محلی و بومی خوش نام، مجرب و مورد اعتماد تمام گروه‌های اجتماعی و محلی انتخاب شوند؛

۳. روزنامه‌ها، نشریه‌ها، بولتن‌ها و بروشورهای محلی و منطقه‌ای، جهت ارتقای آگاهی شهروندان در هر منطقه، محله، شهر، بخش و روستا منتشر شود. این نوع فعالیت‌های فرهنگی، توسط شوراها، مدیریت‌های شهری و NGOs می‌تواند صورت گیرد؛

۴. از تجربه‌گرایی صرف، فرقه‌گرایی، قوم‌گرایی، خویشاوندگرایی و سیاست زدگی و اعمال نظرهای شخصی و بانندی در انتخابات شوراها و اعمال مدیریت شورایی و مشارکتی پرهیز شود؛

۵. در خصوص شوراها و مدیریت شورایی و نحوه اعمال آن در جامعه، مدیریت سیاسی و اجرایی کشور در تمام سطوح سعی می‌کند که پندارها، گفتارها و اعمال هایشان یکسان و همگون باشد؛

۶. اعضای شوراها در شهرها، بخش‌ها و روستاها باید بیشتر اجرایی باشند تا سیاسی. بنابراین، مدیریت شورایی و مشارکتی در چارچوب قانون اساسی کشور باید به امور و مسائل اجرایی، تولیدی و امنیتی منطقه خود پردازند.

۷. داوطلبان شوراها باید، با توجه به شرایط اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی-منطقه‌ای، بین مناطق توزیع و هر منطقه نماینده خود را انتخاب نماید.

۸. شوراها، روستا، بخش و شهر، به عنوان مجالس مقننه و مدیران ارشد محل و منطقه خود، طبق قانون اساسی کشور باید از اختیارات، مسئولیت‌ها و استقلال مشخص و شفاف برخوردار شوند تا پاسخ‌گوی نیازها و خواست‌های مردم منطقه خود باشند؛

۹. مدیران سیاسی و اجرایی از تظاهر به کار و خدمت به مردم پرهیزند و به جای شعارهای غیرواقعی به تولید و خدمت رسانی مورد نیاز افراد و گروه‌های اجتماعی همت گمارند؛

۱۰. مدیران سیاسی و اجرایی، قبل از اجرا و اتمام طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی، اجرایی، آموزشی و... به تبلیغات توخالی و اقناعی پردازند.

منابع و مآخذ

- ادریسی، تیلمان، هیئت دولت در جهان سوم، ترجمه بهروز توانمند، تهران: نشر نی، ۱۳۵۹.
- اشرف، احمد، نظام فتودالی یا نظام آسیایی، نقد و بررسی در ویژگی های تاریخ ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران: ۱۳۴۷.
- زیباکلام، صادق، ما چگونه ما شدیم، ریشه یابی علل عقب ماندگی ایران، تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۷۵.
- ستاد انتخاباتی کشور، شواهد! آنچه گذشت (مجموعه مکاتبات ستاد انتخابات کشور و هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهاى اسلامی)، تهران: انتشارات همشهری، ۱۳۷۸.
- سیف اللهی، سیف...، اقتصاد سیاسی ایران، تهران، پژوهشکده جامعه پژوهی و برنامه ریزی المیزان، ۱۳۷۴.
- _____، توسعه اقتصادی و برنامه ریزی توسعه در ایران، ۱۳۸۱-۱۳۸۵، آماده انتشار.
- _____، جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، تهران: پژوهشکده جامعه پژوهی و برنامه ریزی المیزان، ۱۳۸۱.
- علمداری، کاظم، چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت، تهران: نشر توسعه، چاپ ششم، ۱۳۸۰.
- کاتوزیان، محمدعلی، اقتصاد سیاسی ایران ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۴.
- کسروی، احمد، تاریخ مشروطیت ایران.
- کتابخانه سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
- اسناد و مدارک مربوط به تهیه و تدوین برنامه پنجساله اول جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵۸-۱۳۶۱.
- فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، انتشارات مؤسسه اطلاعات، شماره های سال ۱۳۸۱.
- فوران، جان، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، از صفویه تا سال های پس از انقلاب اسلامی، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۸.

- قاسمی، ابوالفضل، سیر الیگارشوی در ایران (از کوتاما تا کودتا) تهران: ققنوس، ۱۳۵۷.
- لنسکی، گروهارد / حین لنسکی، سیر جوامع بشری، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- هالیدی، فرد، دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران.
- مور، برینگتن، ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی، ترجمه شهاب وجدی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.
- مکی، حسین، تاریخ بیست و پنجساله ایران.
- مجموعه مقالات درباره ایران و خاورمیانه، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۲.
- مدیریت شهری، شماره ۱ - ۱۰.
- ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۱ - ۱۰.
- ماهنامه تدبیر، شماره‌های سال ۱۳۸۱.
- وزارت دادگستری.
- اسناد و مدارک مربوط به سیر تحول قوه قضاییه پس از انقلاب اسلامی - وزارت کشور، ستاد اجرایی تشکیل شوراهای اسلامی، قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران مصوب ۱/۳/۱۳۷۵، فروردین ۱۳۷۸.